

یک اجازه نامه با امضای سه مرجع تقلید

رسول جعفریان

آن چه تحت عنوان «اجازه» در تاریخ حدیث بلکه در تاریخ علم و در خصوص تعلیم و تربیت شناخته می‌شود، کاربردی نسبتاً وسیع دارد که باید در جای دیگری و با تفصیل از آن سخن گفت اما به طور اجمال می‌توان اجازات را در سه بخش خلاصه کرد:

الف: اجازه روایت اعم از روایت به معنای «حدیث» یا اجازه روایت از کتاب (شامل کتاب حدیث و غیر حدیث). این باسابقه‌ترین نوع اجازه ای است که وجود داشته و اصل و هدف از آن نیز تأمین امر «وثاقت» در نقل روایات به خصوص روایات فقهی بود. بعدها اجازه روایت کتاب نیز به آن افزوده گشت به طوری که مؤلف به شاگردانش اجازه روایت از کتابش را می‌داد و شاگرد همین اجازه را به شاگرد خود برای روایت کتاب استادش اعطا می‌کرد. آنچه تسامحا به عنوان علم الاجازات می‌توان از آن یاد کرد همین اجازه است که فواید بسیار زیادی برای شناخت نظام تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی دارد.

ب: اجازه اجتهاد: این اجازه در قرن اخیر باب گردید و به خصوص پس از آن که مفهوم اجتهاد در قرن سیزدهم هجری و چهاردهم جدی‌تر شد، رواج یافت. عامل دیگر رواج یافتن آن ارسال مجتهدان از نجف و سامرا به شهرهای دیگر بود. این عالمان نیاز به تأیید اجتهاد علمی خود داشتند تا در شهرهای مقصد بتوانند مقبولیت داشته باشند. در اینجا اجازه بیشتر به عنوان یک مدرک تحصیلی به کار می‌رفت.

ج: اجازه تصدی امور شرعیه: این اجازه که می‌توانست در اصل متکی به تأیید قوه اجتهاد یک عالم نیز باشد، به طور خاص مربوط به تصدی امور شرعیه بود. عالمان در شهرها از زمان صفویه به این سو، در کارهای عمومی اعم از قضاوت و وقف و امور مدنی و همین طور گرفتن حقوق شرعیه و هزینه کردن آن در موارد مورد نظر مسؤولیت داشتند. این مسؤولیت بر اساس قواعد کلی موجود در فقه شیعه می‌بایست از قدرت اجتهاد نشأت می‌گرفت. تأیید این قدرت اجتهاد و بالتبع اجازه تصدی امور شرعیه در اختیار مجتهدان

درجه اول بود. به همان دلیلی که در قسمت قبل اشاره شد، مجتهدان جزء که از نجف به شهرها فرستاده می‌شدند، اجازه ای برای تصدی امور شرعیه دریافت می‌کردند تا مردم با اطمینان کامل ولایت آنان را در امور عمومی بپذیرند. این یکی از رایج‌ترین اجازاتی است که رواج داشته است. تعبیر به تصدی امور شرعیه در دوره جدید که این کارها غالباً به نهادهای دولتی ولو زیر نظر مرجع تقلید یا ولایت فقیه واگذار شده بود، بیشتر منحصر به گرفتن حقوق شرعیه و به معنای خاص سهم امام و سادات یعنی خمس بود. البته ممکن بود که چنین اجازه‌ای به غیر مجتهد هم داده شود و بسا این نکته قید می‌شد که ایشان در نقل فتوا مجاز هستند تا کسی تصور اجتهاد نکند.

نکته مهم این است که پس از درگذشت مرجعی که این اجازه را صادر کرده بود عملاً این ولایت از بین می‌رفت و نیازمند آن بود تا مرجع بعدی آن را تأیید کند. حتی اگر کسی قائل به تقلید از میت بود، اما امر ولایت نیاز به اجازه مجتهد زنده و مرجع تقلید حی داشت. به همین دلیل صاحب اجازه، پس از درگذشت مجتهدی که اجازه را برای وی صادر کرده بود به دنبال مرجع بعدی بود تا اجازه دیگری برای او صادر کند و معمولاً نیز اگر مسأله خاصی وجود نداشت چنین کاری صورت می‌گرفت.

به دلیل اعتمادی که میان مراجع وجود داشت، به طور معمول، و گاه، در ذیل همان اجازه مرجع پیشین مراتب شایستگی شخص مورد تأیید قرار می‌گرفت و گفته می‌شد که آنچه نوشته شده مورد تأیید اینجانب نیز می‌باشد. این کار ممکن بود برای بار سوم نیز تکرار شود.

البته این ممکن بود که یک مجتهد محلی از چندین نفر اجازه داشته باشد، در حالی که همه آنان در قید حیات بودند. زیرا اجازات یاد شده به خصوص در باره دریافت وجوه شرعیه بود و این مجتهد برای گرفتن این وجوه از مقلدان مختلف نیازمند گرفتن اجازات متعدد بود.

در اینجا یک نمونه از اجازات تصدی امور شرعیه را که اصل آن توسط آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی صادر شده و توسط آیت الله بروجردی و سپس حاج آقا رحیم ارباب تأیید کرده است ارائه می‌کنیم.

این اجازه تقریباً بلافاصله پس از درگذشت مرحوم اصفهانی، توسط آیت الله العظمی بروجردی که از همان زمان ریاست شیعه را در ایران بر عهده گرفتند تأیید شده است.

اما تأیید حاج آقا رحیم ارباب که معاصر مرحوم بروجردی بودند، از آن روست که شخصی که به او اجازه داده شده اهل اصفهان بوده و طبعاً تأیید مرحوم ارباب در اصفهان می‌توانسته است برای وی اعتبار بیشتری داشته باشد.

نکته دیگر آن است که معمولاً در کنار هر مرجع، یک روحانی خطاط وجود داشت که به عنوان دبیر فعالیت داشت. این اجازات به خط آن افراد است اما توسط مرجع مهر زده می‌شده و نام مرجع نیز توسط خود او نوشته می‌شده است.

شخص مجاز در این رساله مرحوم حاج میرزا علی فقیهی خوراسگانی اصفهانی (م ۱۳۸۰ق) فرزند حاج محمدرضا خوراسگانی است که از علمای بخش خوراسگان واقع در منطقه شرق اصفهان بوده است. (در

بارہ او بنگرید: خورشید جی، ص ۳۳۶)

متن اجازه آیت الله العظمی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطيبين الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين الى يوم الدين.

و بعد جناب مستطاب قدوة الانام العالم العامل الكامل اللوزعی الورع آقای حاج میرزا علی فقیهی خوراسگانی اصفهانی - دامت برکاته - خلف مرحوم حاج محمدرضا خوراسگانی مجاز و لایق در تصدی امورات شرعیہ و نشر احکام الهیہ، جزءا و کلا لاسیما دخالت در امور حسبیہ و نقل فتوی می‌باشند. و اوصیہ بتقوی الله و أن لا ینسانی من دعاء الخیر

۱ / ج ۱ / ۱۳۵۹ [ق]

الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

تأییدیه آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله علیه

به طوری که از طرف مرحوم سید - قدس سره - مأذون بودند از طرف حقیر هم مجاز و مأذون هستند.

۲۱ / ع ۲ / ۱۳۶۶ حسین الطباطبائی

تأییدیه حاج آقا رحیم ارباب

خداوند بر توفیقات و تأییدات عالی در اقامه امور حسبیہ به نهج مقرر در شرع و در نشر احکام فقهیہ و بیان معارف و هدایت و کفالت ضعفاء و اصلاح معیشت فقراء و لاسیما محاوچ سلسله جلیله ساده - زادهم الله عزا و شرفا - بیفزاید ان شاء الله در تحمل تعب در طریق حفظ این جهات مثاب و مأجور خواهند بود. اقل الخلیقه: رحیم

تأییدیه دوم مرحوم ارباب

و در جهت وساطت در ایصال خمس به اهل استحقاق احتیاط لازم را نسبت به سهم مبارک امام علیه السلام به تخصیص آن به فقراء سلسله جلیله سادات - زادهم الله عزا - که سهم سادات کفایت مؤونه سالیانه آنها را نمی‌کند، رعایت فرمایند مع رعایة الاحوج منهم فالاحوج مهما تیسر. زادکم الله من فضله تأییدا و تسدیدا.

اقل الخلیقه: رحیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآل الطيبين الطاهرين

و بعد جناب سبط سوره الامم العالم الامم المودع الووع

جناب ايراز علی نصیر خرد گانه اصفا فی دست بکده خف اوج

خود را گانه مجاز دلالی در صدر اولاد شرعیه و نور احکام

الاسما دعات ملا کور حسبه و نصر قوتی میاشنه داد و صبر

والا لایب تفریح دعا الخ

۱۳۵۹ / ۱۲ / ۱

الافتخار ابو الحسن الموسوی الهمدانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآل الطيبين الطاهرين

و بعد جناب سبط سوره الامم العالم الامم المودع الووع

جناب ايراز علی نصیر خرد گانه اصفا فی دست بکده خف اوج

خود را گانه مجاز دلالی در صدر اولاد شرعیه و نور احکام

الاسما دعات ملا کور حسبه و نصر قوتی میاشنه داد و صبر

والا لایب تفریح دعا الخ

۱۳۵۹ / ۱۲ / ۱

الافتخار ابو الحسن الموسوی الهمدانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآل الطيبين الطاهرين

و بعد جناب سبط سوره الامم العالم الامم المودع الووع

جناب ايراز علی نصیر خرد گانه اصفا فی دست بکده خف اوج

خود را گانه مجاز دلالی در صدر اولاد شرعیه و نور احکام

الاسما دعات ملا کور حسبه و نصر قوتی میاشنه داد و صبر

والا لایب تفریح دعا الخ

۱۳۵۹ / ۱۲ / ۱

الافتخار ابو الحسن الموسوی الهمدانی

پیام بهارستان / د ۲، س ۱، ش ۱ / پائیز و زمستان ۱۳۸۷